

Research Article

Iranians' Understanding of Wisdom: The Role of Ethnicity, Gender, Age and Education

Mahdi Dasta¹, Omid Shokri*², Shahla Pakdaman³, Jalil Fathabadi⁴

1. PhD Student of Educational Psychology, Department Psychology. Faculty of Education and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
2. Assistant Professor of Educational Psychology, Department Psychology. Faculty of Education and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
3. Associate Professor of Psychology, Department Psychology. Faculty of Education and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
4. Associate Professor of Educational Psychology, Department Psychology. Faculty of Education and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Abstract

This study aimed to explore and explain Iranians' understanding of wisdom and the role of ethnicity, gender, age, and academic status in their understanding of it. The study adopts both qualitative and quantitative approaches. The research domain included all above-20 years old Iranians. Taking care of saturation in each ethnicity group, three hundred twenty-eight individuals (134 females and 194 males) were selected through convenience sampling. The participants, coming from different ethnicities including Farses, Azerbaijani Turks, Kurds, Lurs, Baluchis, and Turkmen answered a researcher-developed open-ended questionnaire. Findings suggested that 'intellectuality', 'morality', 'civilization', 'performance' and 'spirituality' make up different wisdom dimensions in Iranian society. Findings also revealed that unlike gender and age factors, ethnicity and academic status were related to individuals' understanding of wisdom. Differences were observed between different ethnicities in how much emphasis they place on intellectuality and spirituality dimensions of wisdom; Kurds and Turks emphasized civilization and Lurs and Arabs highlighted spirituality dimension more than other ethnicities. Individuals with higher academic status emphasized intellectuality, civilization, and performance, while those with lower academic status tended to highlight morality and spirituality dimensions of wisdom. Overall, findings suggested that a thorough understanding of wisdom and its constituting elements/components is not easy since it is a complicated and multidimensional notion. On the other hand, the attempt to understand individuals' understanding of wisdom in a non-Western context and among Iranian ethnicities revealed new dimensions of the construct (i.e., spirituality and morality) that had not been addressed properly before.

Keywords: Wisdom, ethnicity, gender, age, education

مقاله پژوهشی

فهم خرد در جامعه ایرانی: نقش قومیت، جنسیت، سن و تحصیلات

مهدی دستا^۱، امید شکری^{۲*}، شهلا پاکدامن^۳، جلیل فتح‌آبادی^۴

۱- دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

m_dasta@sbu.ac.ir

۲- استادیار روان‌شناسی تربیتی، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
oshokri@yahoo.com

۳- دانشیار روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
s-pakdaman@sbu.ac.ir

۴- دانشیار روان‌شناسی تربیتی، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
J_fathabadi@sbu.ac.ir

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی مفهوم خرد و مؤلفه‌های آن با تأکید بر نقش عوامل قومیت، جنسیت، سن و تحصیلات بر پایه دو رویکرد کیفی و کمی انجام شد. قلمرو پژوهش شامل افراد بالای ۲۰ سال ایرانی بود. با توجه به اینکه در هر قوم باید داده‌ها به اشباع می‌رسیدند، ۳۲۸ شرکت‌کننده (۱۳۴ زن و ۱۹۴ مرد) از گروه‌های قومی مختلف شامل ترک، کرد، لر، عرب، بلوچ، ترکمن و فارس به کمک روش نمونه‌گیری دردسترس انتخاب شدند و به پرسش‌نامه باز پاسخ محقق ساخته پاسخ دادند. نتایج نشان دادند در جامعه ایرانی بُعد عقلانی، اخلاقی، مدنی، عملکردی و معنوی ابعاد اصلی سازه خرد را تشکیل می‌دهند. همچنین یافته‌ها نشان دادند عوامل قومیت و تحصیلات، برخلاف جنسیت و سن، با فهم افراد از خرد ارتباط دارند. اقوام در تأکید بر ابعاد مدنی و معنوی خرد متفاوت بودند؛ به نحوی که اقوام کرد و ترک بر بُعد مدنی و اقوام لر و عرب بر بُعد معنوی نسبت به دیگر اقوام تأکید بیشتری داشتند. همچنین، شرکت‌کنندگان با تحصیلات بالا بر ابعاد عقلانی، عملکردی و مدنی و افراد با تحصیلات پایین بر ابعاد اخلاقی و معنوی تأکید بیشتری داشتند. به طور کلی، نتایج این پژوهش نشان دادند خرد مفهومی پیچیده و چندوجهی است که درک کامل جمیع مؤلفه‌های شکل‌دهنده آن به راحتی ممکن نیست و نیز در فرهنگ‌های غیر غربی و به ویژه ایران و اقوام ایرانی، تلاش برای بررسی فهم افراد از خرد، وجوهی از این سازه مانند معنویت و دینداری را آشکار کرد که کمتر به آنها توجه شده است.

واژه‌های کلیدی: خرد، قومیت، جنسیت، تحصیلات و سن

مقدمه

خرد به عنوان بالاترین کیفیت بشری و نیز یکی از منابع مهم برای یک زندگی خوب^۱ بیان می‌شود (بالتز و استادینگر، ۲۰۰۰؛ کلایتون و بیرن، ۱۹۸۰) و بینش و پاسخ‌هایی را برای سؤالات اساسی زندگی مانند چگونه به یک زندگی معنادار و شاد دست یابیم، فراهم می‌آورد (بالتز و استادینگر، ۲۰۰۰). خرد موضوعی قدیمی در زمینه تحقیقات فلسفی و مذهبی در بسیاری از فرهنگ‌ها است و به دوران بسیار دور بر می‌گردد (آرمسترانگ، ۲۰۰۶)؛ با این حال، پژوهش‌های تجربی معاصر خرد از حدود ۱۹۸۰ آغاز شده است؛ زمانی که چندین گروه تلاش کردند تا تعیین کنند خرد چیست و چگونه می‌توان آن را اندازه‌گیری کرد (آردلت و اوه، ۲۰۱۰). علاقه‌مندی به خرد در حوزه روانشناسی رو به افزایش بوده و تعداد مقالات روانشناسی در این حوزه از اواخر دهه ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۰۸، ۷۰ برابر شده است (میکز و جست، ۲۰۰۹). این علاقه‌مندی احتمالاً به دلیل تغییر شرایط در جامعه علمی است که بر تحول در گستره عمر (لابووی - ویف^۲، ۱۹۹۰) و روانشناسی مثبت (سلیگمن، ۲۰۱۱) تأکید می‌کنند. مقالات خرد به موضوعاتی چون خرد عمومی (استادینگر و گلاک، ۲۰۱۱؛ استرنبرگ و جردن، ۲۰۰۵)، انواع مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های خرد (والش، ۲۰۱۲) و تروریج و فراری، خرد عملی و شخصی (فراری و وست استریت، ۲۰۱۱)؛ استادینگر، ۲۰۱۴)، مقیاس‌های سنجش (پری و همکاران، ۲۰۰۲؛ آردلت، ۲۰۰۴؛ بانگن، میکز و جست، ۲۰۱۳)؛ گلاک و همکاران، ۲۰۱۳)، روان‌درمانی (گرممر و سیگل، ۲۰۱۲)، خرد و تعلیم و تربیت (چن، چنگ، وو و هسه، ۲۰۱۴)؛ تروریج، ۲۰۰۷) و معنویت و تعالی خود (هرشی و فارل، ۱۹۹۷؛ آچنبام و اورول، ۱۹۹۱)؛

یانگ، ۲۰۰۸؛ و ایوان و آلوجز، ۲۰۱۰) پرداخته‌اند. به طور کلی تحقیقات حوزه روانشناسی خرد به دو بخش تقسیم می‌شوند؛ رویکردهای نظریه‌تصریحی^۳، نظریه‌ها و تعاریف خردند که متخصصین ارائه می‌دهند و رویکردهای نظریه‌ضمنی^۴ که با تکیه بر ذهن و اندیشه‌های مردم عادی شکل گرفته‌اند. هدف رویکردهای ضمنی خرد، ارائه توصیفی از مفاهیم است که با توجه به دیدگاه مردم عادی درست است و به صحت این باورها به لحاظ روانشناختی پرداخته نمی‌شود. به این علت که مفاهیم عقل سلیم، معانی قالبی فرهنگ‌ها را در بر می‌گیرد، کشف این نظریه‌ها برای تنظیم یک تعریف روانشناختی گسترده از خرد مفید خواهد بود (استادینگر و گلاک، ۲۰۱۱).

در گذشته، به طور سنتی، از اصطلاح «نظریه ضمنی» برای باورهای درونی افراد^۵ درباره خرد استفاده می‌شد. برچسب‌های دیگر برای این موضوع، نظریه افراد غیرمتخصص^۶، نظریه افراد عامی^۷ و نظریه‌های ذهنی^۸ بودند (وست استریت، بلاک و گلاک، ۲۰۱۹). در این پژوهش، به جای اصطلاح مرسوم «نظریه‌های ضمنی خرد» که تا کنون در پیشینه روانشناسی خرد استفاده شده است، از اصطلاح «فهم افراد از خرد»^۹ استفاده می‌شود؛ زیرا اصطلاح افراد غیرمتخصص بین افراد پژوهشگر و دیگر افراد عادی شکاف ایجاد می‌کند. علاوه بر این، با توجه به اینکه در دیگر حوزه‌های روانشناسی مانند یادگیری و حافظه، از اصطلاح ضمنی به صورت متفاوت استفاده می‌شود، به کارگیری این اصطلاح نیز توصیه نمی‌شود. در نهایت، با وجود آنکه افراد باورهایی درباره خرد دارند، بعید به نظر می‌رسد

3. explicit theory

4. implicit

5. people's internal beliefs

6. lay

7. folk

8. subjective

9-People's conceptions of wisdom

1. good life

2. Labouvie-Vief, G

عمیق به ارزیابی جلوه‌های خرد (مانند کرد نوقابی و دلفان بیرانوند، ۱۳۹۵؛ چن و همکاران، ۲۰۱۴؛ مونتگومری، باربر و مک کی، ۲۰۰۲) می‌پردازند.

تحقیقات روانشناسی خرد در حوزه فهم افراد از خرد، بیشتر محدود به ایالات متحده و اروپا بوده‌اند (استادینگر و گلاک، ۲۰۱۱؛ تاکاهاشی و بوردیا، ۲۰۰۰)؛ البته مطالعاتی نیز در دیگر فرهنگ‌ها شامل بودایی‌های تبت (لویت، ۱۹۹۹)، چینی تایوانی‌ها (یانگ، ۲۰۰۱)، ژاپنی‌ها (تاکایاما، ۲۰۰۲)، چینی‌ها (هوو، فراری، لیو، گائو و ویر، ۲۰۱۶) انجام شده است؛ ولی سهم عمده‌ای در این حوزه ندارند. به‌تازگی نیز در ایران معدود مطالعاتی از جمله ملک محمدی، هاشمی، پزشکی و صرامی (۱۳۹۲)، اسعدی (۱۳۹۴)، چراغی، کدیور، عسگری و فرزاد (۱۳۹۴)، کرد نوقابی و دلفان بیرانوند (۱۳۹۵)، کردنوقابی، دلفان بیرانوند و عربلو (۱۳۹۴) و عزیزی، کردنوقابی و عرفانی (۱۳۹۸) انجام گرفته است.

پژوهشگران حوزه فهم افراد از خرد (نظریه‌های ضمنی) چگونگی مفهوم‌سازی خرد افراد عادی را برای درک ذهنی آنها که خرد شامل چه چیزهایی است، بررسی می‌کنند. با توجه به اینکه شناخت فهم خرد افراد عادی با مشارکت اجتماعی است، نه با مطالعات رسمی، ادارک آنها از خرد، تفاوت چشم‌گیری در فرهنگ‌ها (مانند تاکاهاشی و بوردیا، ۲۰۰۰) و خرده‌فرهنگ‌ها (مانند استرنبرگ، ۱۹۸۵) و حتی از فردی به فرد دیگر، با توجه به ویژگی‌های چون جنسیت، سن و سطح تحصیلات دارد (گلاک و بلاک، ۲۰۱۱).

تاکاهاشی و بوردیا (۲۰۰۰) استدلال می‌کنند مفهوم غربی خرد بر ابعاد تحلیلی خرد (مانند دانش و استدلال) و درمقابل، مفهوم شرقی، بیشتر بر ترکیب و تلفیق ویژگی‌های شناختی و عاطفی تأکید دارد (مانند باملاحظه و همدلی)؛ با این حال، بررسی برخی نتایج

که نظریات کاملی در ذهن داشته باشند؛ بنابراین، استفاده از اصطلاح نظریه نیز پیشنهاد نمی‌شود (وست استریت و همکاران، ۲۰۱۹).

مجموعه متنوعی از روش‌ها برای سنجش فهم افراد از خرد استفاده شده است. رویکرد معمول، رتبه‌بندی توصیف گر^۱، (مانند کلایتون و بیرن، ۱۹۸۰؛ گلاک و بلاک، ۲۰۱۱؛ هالیدی و چاندلر، ۱۹۸۶؛ استرنبرگ، ۱۹۸۵؛ وست استریت، فراری و آردلت، ۲۰۱۶) است. در این رویکرد از افراد خواسته می‌شود درباره فهرستی از توصیف‌گرهایی که به خرد نزدیک، مرتبط یا مشابه‌اند، قضاوت کنند. این رویکرد معمولاً در سه مرحله انجام می‌شود: ۱. تهیه فهرست (با استفاده از پژوهش‌های نظری، متخصصین یا سؤال از افراد عادی)؛ ۲. رتبه‌بندی (با نمونه بزرگ‌تری از افراد) و ۳. تحلیل و توصیف (بیشتر از روش‌های کاهش ابعاد آماری استفاده می‌شود). دیگر شیوه‌های سنجش فهم افراد از خرد، روش‌های کاملاً وابسته به زمینه‌اند. رویکرد زندگی واقعی^۲، فهم خرد را بررسی می‌کند و از شرکت‌کنندگان می‌خواهد افرادی را معرفی و ارزیابی کنند که خردمندند یا خردمندانه رفتار می‌کنند (یعنی خردمندترین فردی را که می‌توانند تصور کنند) و شخصاً او را می‌شناسند یا یک شخصیت اجتماعی است (مانند اسعدی، ۱۳۹۴؛ گلاک، بیسچوف و سینهانر، ۲۰۱۲؛ جیسون و همکاران، ۲۰۰۱). دومین شیوه روایت خودزیست‌نامه‌نگاری^۳ بیشتر مبتنی بر بوم‌شناختی است و عمیقاً به تجارب خاص زندگی افراد می‌پردازد (مانند بلاک و گلاک، ۲۰۰۴؛ گلاک، بلاک، بارون و مک‌آدامز، ۲۰۰۵؛ کونیک و گلاک، ۲۰۱۲). در شیوه سوم که کاملاً کیفی است (مانند نظریه زمینه‌ای و تحلیل پدیدارشناختی)، محققان با استفاده از مصاحبه

1. descriptor-rating
2. real-life approach
3. autobiographical narratives

همچنین، یافته‌های پژوهش گلاک و بلاک (۲۰۱۱) و کونیگ و گلاک (۲۰۱۳) نشان دادند شرکت‌کنندگان سالمند، احتمالاً ادراک یکپارچه‌ای از خرد دارند که از ترکیب ویژگی‌های عاطفی و تأملی با ویژگی‌های شناختی در مفاهیم خرد حاصل می‌شود؛ در حالی که بزرگسالان جوان بیشتر بر مؤلفه‌های شناختی متمرکز بودند. به‌طور مشابه، کلاپتون و بیرن (۱۹۸۰) دریافتند خرد در بزرگسالان سالخورده‌تر، با مهربانی و توجه به دیگران ارتباط نزدیکی دارد؛ با این حال، این یافته‌ها در مطالعات با رویکرد زندگی واقعی تکرار نشده‌اند. گلاک و همکاران (۲۰۰۵) در مطالعه‌ی اول خود دریافتند که شرکت‌کنندگان جوان نسبت به سالمندان و میانسالان، در خاطرات مربوط به خرد خودزیست‌نامه، بیشتر بر همدلی و حمایت کردن تمرکز داشته‌اند؛ ولی در مطالعه‌ی دوم، تفاوت سنی در اشکال مختلف خرد به دست نیامد. در همین راستا وست‌استریت و همکاران (۲۰۱۶) در مطالعه‌ی خود انتظار داشتند بزرگسالان سالمندتر نمونه‌های تاریخی - فرهنگی از پیش‌نمونه‌ی خیرخواه خرد را (مانند عیسی مسیح و مادر ترزا) بیشتر معرفی کنند؛ ولی تفاوتی بین گروه‌های سنی به دست نیامد.

در ارتباط با یافته‌های مربوط به ادراک خرد در گروه‌های جنسیتی، نتایج مطالعه‌ی گلاک، استراسر و بلاک (۲۰۰۹) نشان دادند مردان تا اندازه‌ای مؤلفه‌ی هوش و زنان، عشق به انسانیت و پذیرش دیگران را برای خرد مهم می‌دانند. همچنین، بر مفهوم شناختی خرد در گروه مردان بیشتر از زنان تأکید شد (گلاک و بلاک، ۲۰۱۱). یافته‌های مطالعه‌ی اسعدی (۱۳۹۴) نشان دادند گروه زنان بر ویژگی‌های باایمان، متفکر، منطقی و صاحب درک و فهم و مردان بر صفات/رفتارهای باهوش، آینده‌نگر و اهل عدالت تأکید دارند. در مقابل، در برخی از مطالعات، تفاوت معناداری بین مردان و

مطالعات در بافت غربی نشان داده‌اند فهم افراد از خرد شامل ویژگی‌های عاطفی مشابهی است؛ برای مثال، مهارت‌های اجتماعی و مهارت‌های بین‌فردی به‌عنوان دو موضوع در فهم خرد کانادایی‌ها به دست آمد (گلاک و بلاک، ۲۰۱۱).

شاید یکی از دلایل حاصل‌شدن این نتایج، تنوع درون‌فرهنگی بافت امریکای شمالی باشد؛ از این رو، تنوع درون‌فرهنگی نباید دست‌کم گرفته شود؛ به‌ویژه در فرهنگ‌های با تنوع بالا مانند ایران که از قومیت‌های مختلف با فرهنگ‌های متفاوت برخوردار است. جمعیت ایران ترکیب متنوعی از گروه‌های قومی است؛ به طوری که حدود نیمی از جمعیت ایران را فارس‌ها تشکیل می‌دهند، ۳۴ درصد ترک‌ها و کردها و ۱۶ درصد باقیمانده را سایر قومیت‌ها در بر می‌گیرد (بلالی، ۱۳۸۹؛ بشیریه، ۱۳۹۴). هرچند این اقوام به لحاظ زبان، مذهب، پوشش، ویژگی‌های جسمانی و حتی میزان احساس تبعیض (سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی) متفاوت‌اند، عواملی مانند تاریخ مشترک ملی، ادبیات و سنن ملی - مذهبی نیز مایه‌ی همبستگی و پیوستگی بین اقوام ایرانی شده است (راستی و رحمانی، ۱۳۹۶). باوجود این تنوع قومی، پژوهش‌های صورت‌گرفته حوزه‌ی خرد در ایران معمولاً مربوط به یک گروه و جامعه‌ی محدود بوده است؛ از این رو، برای رسیدن به الگوی مفهوم بومی و جامع خرد در ایران می‌باید مفهوم خرد در بین این اقوام نیز بررسی شود.

به‌طور کلی معدود مطالعات خرد در بین فرهنگ‌ها بر این واقعیت تأکید دارند که خرده‌فرهنگ‌های زیادی در یک فرهنگ وجود دارند؛ خرده‌فرهنگ‌هایی که در آنها افراد با ارزش‌ها و سبک‌های زندگی خانواده و گروه‌های محلی و قومی مواجه می‌شوند و تأثیرات مستقیم و گسترده‌تری نسبت به یک فرهنگ عمومی شرقی یا غربی در تحول و فهم خرد دارند.

تحلیل محتوای کیفی به سه دسته قراردادی، جهت‌دار و تلخیصی تقسیم‌بندی می‌شوند. معمولاً تحلیل محتوای قراردادی در پژوهش‌هایی به کار می‌رود که هدف آن، شرح یک پدیده و ادبیات تحقیق و نظریه‌های مربوط به آن پدیده محدود باشد. در مرحله دوم (کمی) به بررسی نقش عوامل قومیت، جنسیت، سن و تحصیلات بر فهم افراد از خرد پرداخته شد. قلمرو پژوهش عبارت است از افراد بالای ۲۰ سال ایرانی. نمونه‌گیری در این پژوهش، با توجه به جامعه چندفرهنگی ایران و نیز بررسی تفاوت مفهوم خرد در گروه‌های جنسیتی، سنی و تحصیلی در دو مرحله صورت گرفته است؛ به این صورت که ابتدا از بین قومیت‌های ایران، ۷ قوم ترک، کرد، لر، عرب، بلوچ، ترکمن و فارس (که بیشترین جمعیت را به خود اختصاص داده‌اند) مشخص شدند. در ادامه، استان‌های آذربایجان شرقی و اردبیل (قومیت ترک)، استان‌های کردستان و کرمانشاه (قومیت کرد)، استان‌های لرستان و چهارمحال و بختیاری (قومیت لر)، استان خوزستان (قومیت عرب)، استان سیستان و بلوچستان (قومیت بلوچ)، استان گلستان (قومیت ترکمن) و استان‌های تهران، اصفهان و یزد برای قومیت فارس مشخص شدند. با توجه به اینکه پژوهش حاضر، علاوه بر بررسی نقش قومیت به دنبال بررسی نقش جنسیت، سن و تحصیلات در فهم افراد از خرد بود، انتخاب شرکت‌کنندگان از گروه‌های جنسی، سنی و تحصیلی و حتی مشاغل مختلف انجام شد؛ از این رو، علاوه بر تمایل شرکت‌کنندگان به پاسخ‌گویی به سؤالات پرسشنامه بازپاسخ، برای انتخاب اقوام به جز استان گلستان (که از شهر گنبد کاووس شرکت‌کنندگان انتخاب شدند)، شرکت‌کنندگان از مراکز استان‌ها انتخاب شدند. با توجه متفاوت بودن گروه‌های سنی و تحصیلی، برای گروه سنین جوان و تحصیلات بالا شرکت‌کنندگان از محیط دانشگاه

زنان به دست نیامد (کونینگ و گلاک، ۲۰۱۳؛ فراری و همکاران، ۲۰۱۶). به نظر می‌رسد تفاوت‌های جنسیتی احتمالاً در فهم خرد وجود دارد، ولی اندک است. با وجود این علاقه‌مندی روزافزون، هنوز ابهام و بحث‌های درخور توجهی درباره اینکه سازه خرد به چه اشاره دارد، باقی است. تعاریف متعددی، ارائه و مقیاس‌های اندازه‌گیری متنوعی طراحی شده‌اند و نیز چندین نوع یا زیرمؤلفه از خرد ارائه شده‌اند؛ با این حال، تعاریف ارائه‌شده تا حدی هم‌پوشانی دارند و همبستگی کمی بین مقیاس‌های خرد وجود دارد (بیشتر آنها کمتر از ۰/۳ هستند) (گلاک و همکاران، ۲۰۱۳). همچنین، هنوز بحث‌های شایان توجهی درباره چرایی و چگونگی تفاوت‌های بین فردی فهم افراد عادی از خرد وجود دارد (بلاک و گلاک، ۲۰۰۵؛ کلایتون و بیرن، ۱۹۸۰؛ هالیدی و چاندلر، ۱۹۸۶؛ استادینگر و گلاک، ۲۰۱۱). کشف تفاوت‌ها و عوامل تعیین‌کننده نظریه‌های ضمنی خرد به عنوان وظیفه مهم برای محققان خرد همچنان باقی مانده است (وست‌استریت و همکاران، ۲۰۱۶)؛ از این رو، هدف پژوهش حاضر، علاوه بر شناسایی مؤلفه‌های خرد در جامعه ایرانی، به دلیل چندفرهنگی بودن جامعه ایرانی و داشتن اقوام مختلف، بررسی اهمیت نسبی این مؤلفه‌ها با توجه به نقش عوامل قومیت، جنسیت، سن و تحصیلات است.

روش

روش، قلمرو پژوهش و شرکت‌کنندگان: پژوهش در دو مرحله کیفی و کمی انجام شده است. مرحله اول به روش تحلیل محتوای قراردادی براساس روش گرانهایم و لاندمن (۲۰۰۴) و با استفاده از رویکرد کیفی انجام شده است. تحلیل محتوای کیفی، روشی برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌ها از طریق کدگذاری و طبقه‌بندی مؤلفه‌های استخراج شده است. رویکردهای

تعیین می‌شوند و نیز می‌باید داده‌ها در هر گروه جنسی، سنی، تحصیلی و قومی به اشباع می‌رسیدند، شرکت کنندگان انتخابی برای این پژوهش ۳۲۸ نفر بودند. دامنه سنی آنها ۲۰ تا ۷۵ سال بود. ۱۳۴ نفر از آنها زن و ۱۹۴ نفر از آنها مرد بودند. میانگین سنی زنان و مردان به ترتیب ۳۹/۸ و ۴۱/۲ بود.

(دانشجویان، کارکنان و اساتید) و برای دیگر گروه‌های سنی (میانسال و سالمند) شرکت کنندگان از سطح شهر (مانند پارک و ...) انتخاب شدند. با توجه به اینکه تعداد مشارکت کنندگان در تحقیقات کیفی دارای میزان و تعداد مشخصی نیست و تعداد نمونه براساس میزان اطلاعات به دست آمده و به اشباع رسیدن اطلاعات

جدول ۱. مشخصات شرکت کنندگان

درصد	تعداد	شرکت کنندگان
		جنسیت
۵۹	۱۹۴	مرد
۴۱	۱۳۴	زن
		سن
۵۹,۴	۱۹۵	۲۰-۴۰
۳۴,۱	۱۱۲	۴۰-۶۰
۶,۵	۲۱	۶۰ به بالا
	۳۲۸	تحصیلات
۲۰,۷	۶۸	زیر لیسانس
۳۶,۳	۱۱۹	لیسانس
۴۳	۱۴۱	بالتر از لیسانس
	۳۲۸	قومیت
۱۳,۱	۴۳	ترک
۱۲,۸	۴۲	کرد
۱۹,۵	۶۴	لر
۹,۱	۳۰	عرب
۱۰,۱	۳۳	بلوچ
۱۵,۸	۵۲	ترکمن
۱۹,۵	۶۴	فارس

۱۰ سؤال اولیه طراحی شده برای پنج نفر از متخصصان حوزه روانشناسی مجرب در زمینه خرد ارسال شد و نظر آنها درباره مناسب بودن آنها برای بررسی مفهوم خرد در یک طیف چهار درجه‌ای «عالی، خوب، متوسط و ضعیف» اخذ شد. همچنین، از آنها خواسته شد در صورت لزوم، سؤال پیشنهادی یا اصلاح شده خود را در برگه یادداشت کنند. بعد از بررسی نظرات و امتیازات آنها به هر یک از سؤال‌ها، در نهایت ۷ سؤال برای

انبار سنجش. برای انجام پژوهش با استفاده از مطالعه پیشینه پژوهش و اقتباس از پژوهش‌های یانگ (۲۰۰۱)، گلاک و بلاک (۲۰۱۱)، فراری و وست استریت (۲۰۱۴)، هوو و همکاران (۲۰۱۶)، اسعدی (۱۳۹۴) و کرد نوقابی و همکاران (۱۳۹۵) پرسش‌نامه بازپاسخ تهیه شد و پنج متخصص با مطالعه مقدماتی روی ۲۰ نفر و اعمال اصلاحات، آن را از نظر روایی محتوایی و روایی صوری تأیید کردند. روند کار بدین شکل بود که ابتدا

یک فرد خردمند بود. مرحله جمع آوری داده‌ها و کدگذاری اولیه تا به اشباع رسیدن داده‌ها در هر یک از گروه‌های جنسی، سنی، تحصیلی و قومیتی ادامه داشت. در مجموع، ۳۰۸۳ ویژگی مرتبط با خرد به دست آمد. بعد از حذف موارد تکراری، مؤلفه‌ها به ۴۰۳ ویژگی مرتبط با خرد کاهش یافت (درخور ذکر است تعداد ۱۶۷ مؤلفه که فراوانی آنها کمتر از ۴ بود، حذف شدند). این مؤلفه‌ها با توجه به ارتباط معنایی و تشابهی که داشتند، در ۵۳ مقوله سطح اول جای گرفتند. سپس مقوله‌های سطح اول با توجه به ارتباطشان در مقوله سطح دوم و در نهایت ۱۸ مقوله سطح دوم در پنج بعد عقلانی، اخلاقی، مدنی، عملکردی و معنوی جای گرفتند؛ برای مثال، مؤلفه‌های زیرک، باهوش، هوشیار در مقوله سطح اول هوش سیال نام‌گذاری شدند و مقوله‌های سطح اول هوش سیال، هوش متبلور، سواد، دانایی، فهم، روزآمدی در مقوله سطح دوم مهارت‌ها و توانایی‌های شناختی، و در نهایت، مقوله‌های سطح دوم مهارت‌های و توانایی‌های شناختی، تصمیم‌گیری و عمل عاقلانه، خلاقیت و تأمل در بعد عقلانی جای گرفتند. برای حصول اطمینان از اعتبار یافته‌ها، بعد از بررسی دست‌نوشته‌های شرکت‌کنندگان و کدگذاری اولیه آنها توسط محقق اول، دو نفر از دیگر محققان، نتایج را بازنگری کردند و اختلافات موجود شناسایی و رفع شدند. ضریب توافق کدگذارها با ضریب کاپا ۰/۷۸ به دست آمد. همچنین، در مرحله بعد مقولات و زیرمقولات استخراج شده با برخی از شرکت‌کنندگان پژوهش، مطرح و نظرات آنها بررسی شدند. در نهایت، مشخص شد مؤلفه‌ها و طبقات به دست آمده، برونداد درستی از دیدگاهها و عقاید شرکت‌کنندگان پژوهش است.

در مرحله دوم، برای تحلیل کمی، از آزمون خی دو استفاده شد؛ بدین نحو که در ابتدا برای ۵ طبقه اصلی

جمع آوری داده‌ها انتخاب شدند (سؤالات در پیوست ۱ آمده‌اند). پرسش‌نامه به صورت حضوری به افراد ارائه شد. برخی از سؤالات پرسش‌نامه عبارت بودند از: خردمندترین فردی را که می‌شناسید نام ببرید؟ چرا این فرد (برای شما) خردمند است؟ چه چیزی باعث می‌شود یا چه ویژگی‌هایی در او دیده‌اید که او را خردمند می‌دانید؟ در چه حوزه‌ها یا اموری این فرد خردمندتر است؟ آیا خود را فرد خردمندی می‌دانید؟ برای خردمند شدن چه کارهایی باید کرد/چه چیزهایی لازم است؟

روش اجرا و تحلیل

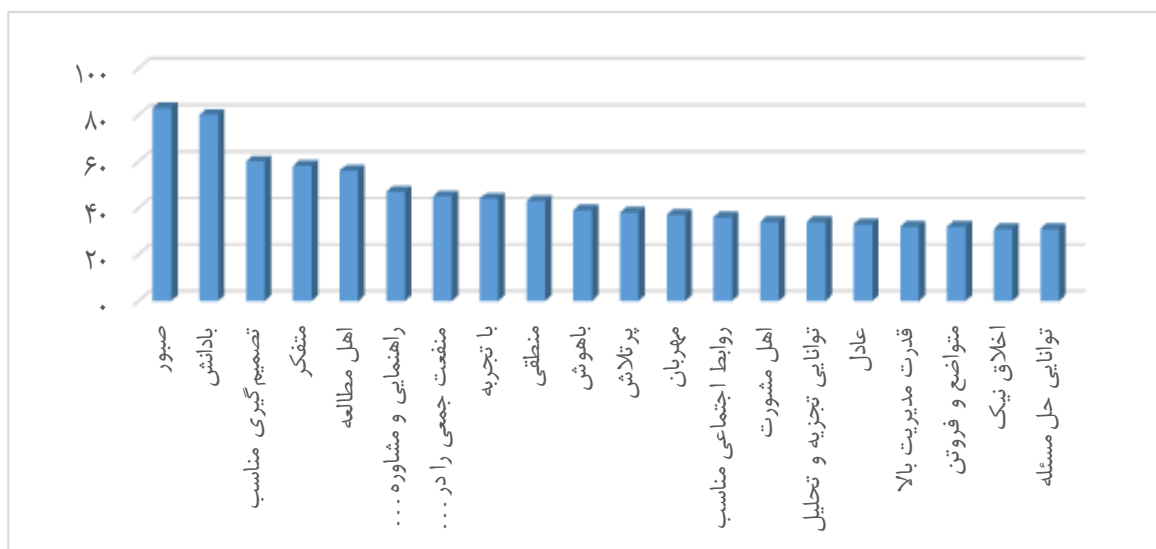
پرسشنامه‌های بازپاسخ توسط خود محقق و دو تن از همکاران پژوهش، با مراجعه به فرد فرد شرکت‌کنندگان و بعد از کسب موافقت و اطمینان از همکاری آنها در پژوهش، به آنها ارائه و بعد از مدت زمان لازم، بین ۳۰ تا ۷۰ دقیقه، جمع آوری شدند. روش تحلیل داده‌ها طبق روش گرانهایم و لاندمن (۲۰۰۴) انجام شد. در این روش، از به کارگیری طبقات از پیش تعیین شده پرهیز می‌شود و اجازه داده می‌شود مقوله‌ها و نام آنها از خود داده‌ها استخراج شوند. تحلیل با خواندن چندین بار متن‌های به دست آمده برای غوطه‌ور شدن و کسب یک بینش کلی شروع می‌شود. سپس مؤلفه‌ها استخراج و پس از آن، به زیرمقوله‌ها و مقوله‌های اصلی، دسته‌بندی می‌شوند و ارتباط بین آنها تعیین می‌شود (گران‌هایم و لاندمن، ۲۰۰۴). تحلیل داده‌ها هم‌زمان با جمع آوری داده‌ها شروع شد و جمع آوری اطلاعات برای هر قومیت تا به اشباع رسیدن اطلاعات ادامه یافت؛ از این رو، محقق برای مشخص کردن مؤلفه‌های اولیه، متن‌های پیاده‌شده مربوط به پاسخ‌های شرکت‌کنندگان را چندین بار و به دقت خواند. در این مرحله، تمامی ویژگی‌ها، صفات و عباراتی مشخص شدند که مربوط به خرد و ویژگی

شد. به همین ترتیب، ابعاد خرد برای سن (۳ سطح جوان، میانسال و سالمند)، تحصیلات (۳ سطح زیر لیسانس، لیسانس و بالاتر از لیسانس) و قومیت (۷ سطح ترک، کرد، لر، بلوچ، عرب، ترکمن و فارس) به‌طور جداگانه بررسی شدند.

یافته‌ها

در پاسخ به سؤال‌های پژوهش، تمامی پاسخ شرکت‌کنندگان به سؤالات بازپاسخ بررسی شدند و مؤلفه‌هایی که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به خرد و ویژگی‌های فرد خردمند اشاره داشتند، بررسی و ۳۰۸۳ ویژگی مرتبط با خرد از شرکت‌کنندگان به‌دست آمدند. مؤلفه‌ها با توجه به ارتباطشان با یکدیگر طبقه‌بندی شدند که این تعداد مؤلفه در ۵۳ طبقه ابتدایی جای گرفتند. به همین ترتیب، مقوله‌های ابتدایی با توجه به ارتباطشان با یکدیگر طبقه‌بندی شدند و در نهایت پنج طبقه اصلی ابعاد عقلانی، اخلاقی، مدنی، عملکردی و معنوی به دست آمد. با توجه به شکل (۱)، بالاترین فراوانی به ترتیب مربوط به مؤلفه‌های صبر، دانش، تصمیم‌گیری مناسب، متفکر، اهل مطالعه، راهنمایی و مشاوره...، منفعت‌جویی...، با تجربه، منطقی، باهوش، پرتلاش، مهربان، روابط اجتماعی مناسب، اهل مشورت، توانایی تجربه و تحلیل، عادل، قدرت مدیریت بالا، مواضع و فروتنی، اخلاق نیک، توانایی حل مسئله.

به‌دست آمده در مرحله کیفی، یعنی ابعاد عقلانی، اخلاقی، مدنی، عملکردی و معنوی به ترتیب کد ۱ تا ۵ تعریف شد. سپس با بررسی دوباره مؤلفه‌های به‌دست آمده از هر یک از شرکت‌کنندگان، مشخص شد حداکثر تعداد مؤلفه به‌دست آمده از یک شرکت‌کننده، ۳۲ مؤلفه است؛ از این رو، در مجموع ۱۶۰ مؤلفه (به‌عنوان مؤلفه‌های ابعاد مختلف) در محیط SPSS تعریف شد؛ برای نمونه، برای بعد عقلانی، ۳۲ مؤلفه با شماره ۱۰۱ تا ۱۳۲ و برای بعد اخلاقی، مؤلفه ۲۰۱ تا ۲۳۲ تعریف شد. در ادامه، با بررسی مؤلفه‌های به‌دست آمده از پاسخ‌های هر یک از شرکت‌کنندگان، با توجه به اینکه مؤلفه به کدام طبقه مرتبط بود، از ارزش ۱ و در غیر این صورت، از ارزش صفر استفاده شد (فراوانی ارزش ۱ به‌عنوان شاخصی از انتخاب هر یک از طبقات در نظر گرفته شد). در ادامه، فراوانی مؤلفه‌های مربوط به ۵ بعد خرد به‌دست آمده در هر یک از گروه‌های جنسیتی، سنی، تحصیلی و قومی به‌طور جداگانه بررسی شد؛ برای مثال، برای بررسی نقش جنسیت در ابعاد خرد، فراوانی مؤلفه‌های مربوط به ۵ بعد عقلانی، اخلاقی، مدنی، عملکردی و معنوی در دو سطح مرد و زن با آزمون خی دو (جدول ۲×۵) بررسی



شکل ۱. مؤلفه‌های بالاترین فراوانی که از پاسخ‌های شرکت‌کنندگان به دست آمد.

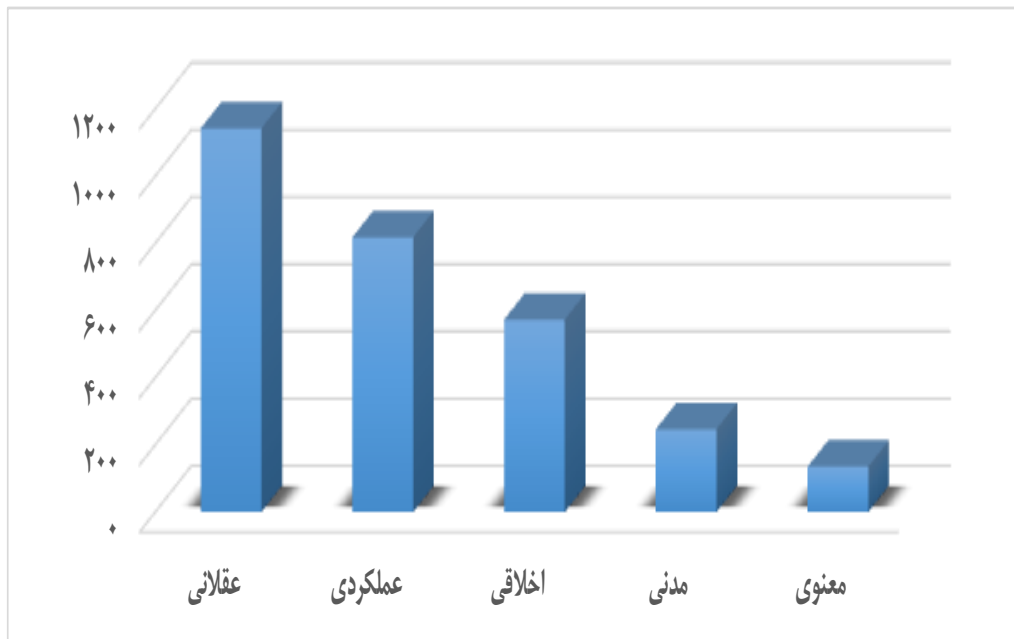
جدول ۲. طبقه‌بندی مؤلفه‌های خرد

کد	طبقه	مقوله سطح ۲	مقولات سطح ۱	برخی از مؤلفه‌ها/ویژگی‌ها*
۱	بعد عقلانی	مهارت‌ها و توانایی‌های شناختی تصمیم‌گیری و عمل عاقلانه خلاقیت تأمل	هوش سیال، هوش متبلور، سواد، دانایی، فهم، روزآمدی تصمیم‌گیری، حل مسئله، قضاوت، منطق نوآوری، منتقد تعمیق، خودشناسی، خودارتنمایی، شهود	بازکاوت، زیرک، باهوش، باتجربه، استفاده از تجارب، اهل مطالعه، دانا، آگاه، عالم انتخاب درست، تصمیم‌گیری مناسب، توانایی حل مسئله، قضاوت درست ایده‌پرداز، ذهن باز، انتقادگر خودشناسی، خودآگاهی، دارای بینش درونی
۲	بعد اخلاقی	اخلاق نگرانی و توجه نسبت به دیگران صداقت و امانت‌داری فروتنی و خضوع	خودپیروی، نظام ارزشی، اخلاقی بودن همدلی، مهربانی، احترام به دیگران قابل اعتماد بودن، امانت‌داری، راستگویی محجوب، ساده‌زیست، تواضع	استقلال فکری، آزاداندیش، چارچوب‌مند، اصول ارزشی داشتن دلسوز، مهربان، بخشنده، حفظ حرمت انسان، احترام به دیگران رازدار، متعهد، امانت‌داری، امین با متانت، متواضع و فروتن
۳	بعد مدنی	کمک به دیگران مشاوره و راهنمایی دیگران منفعت جمعی	کمک به دیگران رهبری دیگران، مشاوره و راهنمایی دیگران منفعت جمعی، به فکر بشریت	کمک به محرومان، حل مشکلات دیگران رهبری و هدایت دیگران، راهنمایی و مشاوره دیگران منفعت جمعی را در نظر گرفتن، خیرخواه
۴	بعد عملکردی	گشودگی تعادل و هماهنگی درونی نگرش مثبت هوش هیجانی برنامه‌ریزی و آینده‌نگری	پذیرش بالا، انعطاف‌پذیری تعادل داشتن، آرامش درونی، صبور بودن شادکامی، رضایت از زندگی، خوش‌بینی مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی، هوش هیجانی هدفمندی، منظم بودن، وقت‌شناسی شخصیت قوی، مقبولیت بالا، اعتماد به نفس بالا، باثباتی، پرتلاش	گشودگی نسبت به تجارب جدید، تعصب‌نداشتن آرامش بالا، حفظ آرامش در مواقع بحرانی، عجز نبودن، صبور مثبت‌اندیش، خوش‌بین روابط اجتماعی مناسب، کنترل احساسات، خودکنترلی آینده‌نگر، هدفمند، زمان‌شناس، موقعیت‌شناس، برنامه‌ریزی داشتن توانمند، تکیه‌گاه دیگران، مرجع بودن، جایگاه و مقبولیت اجتماعی، الگو بودن، مرجع بودن
۵	بعد معنوی	تعالی	معنویت، دینداری	معنویت بالا، با ایمان، توکل به خدا داشتن، خدا ترس، پارسا، متدین، بانقوا

* به دلیل فراوانی بالای مؤلفه‌ها و طولانی شدن جدول، یافته‌های این بخش به صورت خلاصه ذکر شده‌اند.

مؤلفه (۸ درصد) و بعد معنوی با ۱۳۵ مؤلفه (۴/۴ درصد) قرار دارند. همچنین، تعداد ۱۶۷ ویژگی یا رفتار که فراوانی آنها کمتر از ۴ بود، از تحلیل کنار گذاشته شدند. شکل (۲) فراوانی هر یک از طبقات اصلی به دست آمده از پاسخ شرکت کنندگان را نشان می دهد.

بالاترین فراوانی ابعاد خرد مربوط به بعد عقلانی با ۱۱۴۲ مؤلفه بود که ۳۷/۰۵ درصد از کل ویژگی ها و رفتارهای مرتبط با خرد در این طبقه قرار گرفتند. بعد از آن، بعد عملکردی با ۸۱۸ مؤلفه (۲۶/۵ درصد)، بعد اخلاقی با ۵۷۳ مؤلفه (۱۸/۶ درصد)، بعد مدنی با ۲۴۷



شکل ۲. فراوانی مؤلفه های خرد در قالب پنج طبقه اصلی

به طور مشابه، شرکت کننده دیگری بیان می کند علاوه بر هوش، تصمیم گیری درست از مؤلفه های اصلی خرد است:

«از نظر من، خردمند کسی است که در حین اینکه سرشار از هوش است، در زمان مناسب تصمیم درست و قاطعانه بگیرد؛ یعنی بهترین تصمیم که اطرافیان بعد از گرفتن تصمیم او، آن را بهترین راه حل برای حل مشکلات یا بهترین پیشنهاد برای حل آن مسئله بدانند و دیگران از پیامد آن تصمیم خشنود باشند و رضایت کامل از آن را اعلام کنند» (شرکت کننده ۱).

بعد اخلاقی: بعد اخلاقی ویژگی هایی هستند که ما را قادر می سازند آنچه در موقعیت معین لازم است،

بعد عقلانی: بعد عقلانی ویژگی هایی هستند که برای تشخیص و عمل صحیح و جستجوی دانش، حقیقت و ادراک لازم است. شرکت کنندگان هوش سیال، هوش متبلور، فهم، سواد، دانایی، روزآمدی، تصمیم گیری، حل مسئله، قضاوت، منطق، نوآوری، منتقد، تعمیق، خودشناسی، خودارتقایی و شهود را از مقوله های بعد عقلانی دانستند. یکی از شرکت کنندگان بیان می کند:

«زیرا این فرد دارای هوش بالایی است. دارای تجربه بالا و ذهن فوق العاده قوی و دارای افکار مثبت و دید و نظر او نسبت به زندگی مثبت است؛ به همین خاطر او را خردمند می دانم» (شرکت کننده ۳۲۵).

برخی از مؤلفه‌های این بعد شامل گشودگی، انعطاف‌پذیری، اعتدال، صبر، مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی، آینده‌نگری، انگیزش بالا، پرتلاش و شخصیت رهبری است. شرکت‌کننده‌ای بیان می‌کند: «ایشان اسیر احساسات و هیجانات نیستند. خیلی از آشنایان و فامیل برای تصمیم‌گیری از ایشان مشورت می‌گیرند. آینده‌نگری دارند و همیشه از گذشته عبرت می‌گیرند. تعادل بین منطق و احساس را رعایت می‌کنند، روابط اجتماعی مناسب و کنترل‌شده‌ای دارند و کمتر از تصمیماتشان پشیمان می‌شوند» (شرکت‌کننده ۱۶۷).

بعد معنوی: بعد معنوی شامل معنویت و مؤلفه‌های دینداری است. شرکت‌کننده‌ای بیان می‌کند: «این فرد خردمند است؛ زیرا این فرد گرفتار بازی‌های دنیوی نشده است و با دید کلی مقام و توکل به خدای متعال توانست هم دنیای خود را آباد سازد و هم آخرت خویش را سرسبز کند» (شرکت‌کننده ۱۹۲). شرکت‌کننده دیگر بیان می‌کند: «ویژگی‌ها و خصائصی که در فرد مدنظر من است و موجب شد او را فردی خردمندی بدانم عبارت است از: ایمان قوی به خداوند داشتن، اعتماد و اطمینان صددرصد به خداوند در مقابل مشکلات...» (شرکت‌کننده ۲۲۳).

در ادامه، یافته‌های مربوط به نقش عوامل قومیت، جنسیت، سن و تحصیلات بر فهم افراد از خرد با استفاده از آزمون خی‌دو به‌طور جداگانه بررسی می‌شوند. در ارتباط با تفاوت‌های قومیتی نتایج نشان دادند قومیت افراد با فهم افراد از خرد رابطه دارد و ابعاد اصلی خرد بین اقوام ایرانی به‌صورت یکسان توزیع نشده‌اند [$\chi^2(24, n=2916)=57/54, p<0/05$].

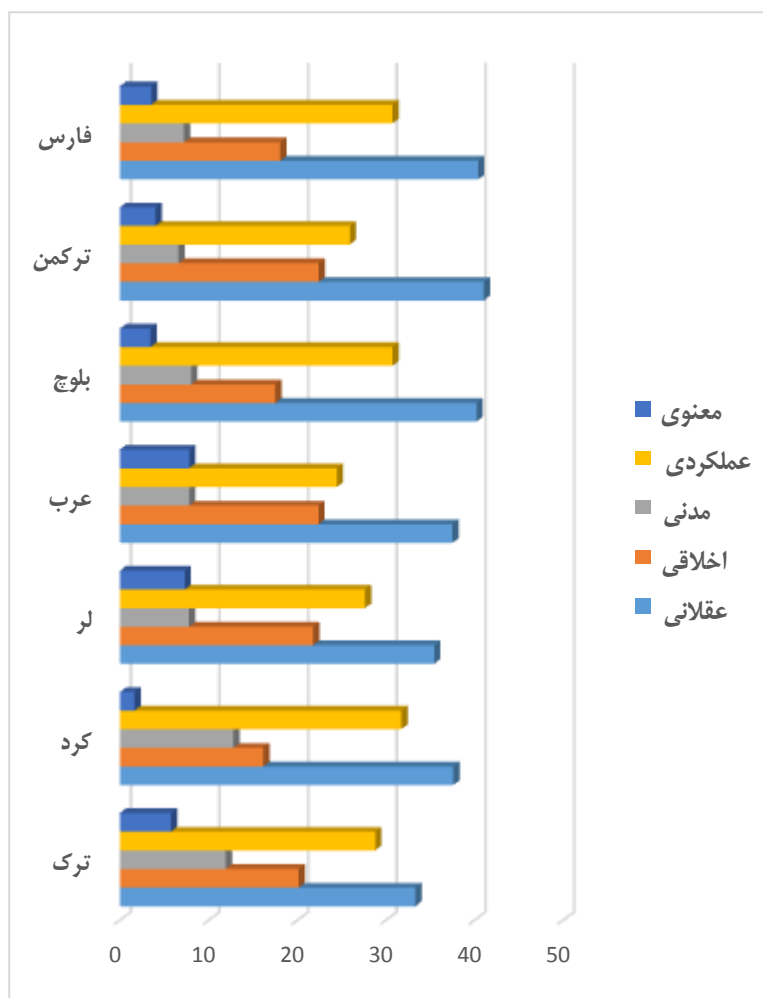
مشخص کنیم و عمل درست را انجام دهیم. مقوله اخلاق به‌وسیله شرکت‌کنندگان جزو مقوله‌های اصلی خرد شناخته شد؛ برای مثال:

«در روایت داریم خردمندترین و عاقل‌ترین افراد، خوش‌خلق‌ترین مردم‌اند. ویژگی‌هایی که از ایشان، با توجه به سخنان او باعث این انتخاب شد، اخلاق حسنه، راستگویی و امانتداری است» (شرکت‌کننده ۱۶۳).

شرکت‌کنندگان، نگرانی و توجه نسبت به دیگران، صداقت و امانت‌داری، فروتنی، خضوع و شجاعت را نیز جزو مقوله‌های خرد دانستند.

بعد مدنی: بعد مدنی ویژگی‌هایی هستند که برای شهروندی مسئولانه، ضروری‌اند و به‌خیر مشترک کمک می‌کنند. شرکت‌کنندگان مقوله‌های کمک به دیگران، منفعت جمع را در نظر گرفتن و مشاوره و راهنمایی دیگران را جزو مؤلفه‌های خرد دانستند. شرکت‌کننده‌ای بیان می‌کند: «توانایی که ایشان در حل مشکلات و معضلات مربوط به زندگی اطرافیانم داشتند، باعث شد من ایشان را به‌عنوان یک فرد خردمند بشناسم. همچنین، راهنمایی‌ها و راهکارهای ایشان برای داشتن زندگی بهتر نیز موجب شکل‌گیری این طرز فکر در بنده شد» (شرکت‌کننده ۲۸۵). به‌طور مشابه، شرکت‌کننده دیگری بیان می‌کند: «مقابل ناملازمات روزگار و بی‌مهری‌ها خودش را حفظ می‌کرد و تلاش می‌کرد جمع، فدای یک نفر نشود. درواقع منفعت جمع را در برابر منفعت خود یا شخص، اولویت قرار می‌داد» (شرکت‌کننده ۱۸۶).

بعد عملکردی: بعد عملکردی ویژگی‌هایی است که در توانمندسازی ابعاد عقلانی، اخلاقی و مدنی نقش مهمی دارد. درواقع ویژگی‌هایی هستند که افراد را قادر می‌سازند زندگی خود را به‌طور مؤثری مدیریت کنند.



شکل ۳. درصد فراوانی مؤلفه‌های خرد در اقوام

ترک، بیشتر از همه این بعد را با اهمیت می‌دانند. همچنین، بین تأکید بر بعد معنوی خرد و قومیت رابطه معناداری به دست آمد [$p < 0/05$ ، $\chi^2(6, n=135)=24/54$].
 ۶.؛ به طوری که اقوام لر و عرب بیشترین تأکید را بر این بعد داشتند.

در ارتباط با تفاوت‌های جنسیتی در ابعاد ارائه‌شده شرکت‌کنندگان، نتایج آزمون خی‌دو نشان دادند مؤلفه‌های اصلی خرد در بین مردان و زنان به صورت یکسان توزیع شده‌اند [$p < 0/05$ ، $\chi^2(4, n=2916)=7/91$].
 ۴. و بین جنسیت و فهم افراد از خرد رابطه‌ای دیده نمی‌شود. هرچند مردان بر ابعاد عقلانی و مدنی تأکید بیشتری داشتند و زنان بر ابعاد اخلاقی و عملکردی.

نتایج نشان دادند بین قومیت و بعد عقلانی رابطه‌ای وجود ندارد [$p < 0/05$ ، $\chi^2(6, n=1117)=4/97$].
 اگرچه اقوام ترکمن و فارس بیشترین تأکید را بر این بعد داشتند. همچنین، بعد اخلاقی نیز با قومیت رابطه ندارد [$p < 0/05$ ، $\chi^2(6, n=573)=7/78$].
 هرچند اقوام ترکمن و عرب، بیشترین تأکید را بر این بعد داشتند. در ارتباط با بعد عملکردی نیز نتایج نشان دادند رابطه‌ای بین قومیت و این بعد برقرار نیست [$p < 0/05$ ، $\chi^2(6, n=844)=5/2$].
 ۶.؛ با این حال، اقوام کرد و فارس بیشترین تأکید را بر این بعد داشتند.

در ارتباط با قومیت و بعد مدنی نتایج نشان از معناداری تفاوت بین اقوام و این بعد داشتند [$p < 0/05$ ، $\chi^2(6, n=247)=15/05$].
 در بین قومیت‌ها، اقوام کرد و

شناسایی شده به وسیله مونتهگومری و همکاران (۲۰۰۲)، «توانایی شناختی» و «نگرش تأملی» شناسایی شده بلاک و گلاک (۲۰۰۵)، «پیش‌الگوهای فلسفی» پیشنهاد شده وست‌استریت و همکاران (۲۰۱۶)، «شایستگی و دانش»، «گشودگی و عمیق‌بودن» شناسایی شده به وسیله یانگ (۲۰۰۱) و «توانایی شناختی»، «بینش» و «توانایی حل مسئله» به دست آمده در مطالعه فراری و همکاران (۲۰۱۶) است.

بعد عملکردی نیز مرتبط با «مهارت‌های دنیای واقعی» شناسایی شده بلاک و گلاک (۲۰۰۵)، «پیش‌الگوهای عملی» خرد پیشنهاد شده وست‌استریت و همکاران (۲۰۱۶)، «دستیابی و حفظ وضعیت رضایت‌بخش زندگی»، «توسعه مسیرهای زندگی» شناسایی شده به وسیله یانگ (۲۰۰۸) است. همچنین، «بعد اخلاقی» با «اصول اخلاقی» مونتهگومری و همکاران (۲۰۰۲)، «دلسوزی برای دیگران» بلاک و گلاک (۲۰۰۵)، «ابعاد عاطفی» در مدل آردلت (۲۰۰۴)، «فروتنی و محجوبیت» شناسایی شده یانگ (۲۰۰۸) و «نگرانی برای دیگران» به دست آمده در مطالعه فراری و همکاران (۲۰۱۶) ارتباط دارد.

بعد مدنی با «روابط خیرخواهانه» و «راهنمایی» شناسایی شده مونتهگومری و همکاران (۲۰۰۲)، «پیش‌الگوی خیرخواهی» خرد پیشنهاد شده وست‌استریت و همکاران (۲۰۱۶)، «تلاش برای رسیدن به خیر مشترک» شناسایی شده یانگ (۲۰۰۱) و «استرینبرگ و جردن (۲۰۰۵)»، و «نتایج مثبت» شناسایی شده چن و همکاران (۲۰۱۴) مرتبط است و در نهایت بعد معنوی تا حدودی مشابه با «معنویت و ارتباط با طبیعت» جیسون و همکاران (۲۰۰۱) است.

برخلاف نتایج پژوهش‌های گذشته که مؤلفه‌های «پذیرش و برخورد مؤثر با عدم قطعیت و ابهام» جزو مؤلفه‌های اصلی مفهوم خرد در نظر گرفته شد، در این

همچنین، نتایج بررسی مؤلفه‌های خرد در بین گروه‌های سنی جوان، میانسال و سالمند نشان دادند تفاوت معناداری در مؤلفه‌های اصلی ارائه شده شرکت کنندگان وجود ندارد [$p < 0/05$]. $\chi^2(8, n=2916)=9/96$ ؛ اگرچه در این بین، گروه شرکت کنندگان جوان بر بعد عقلانی، بیشتر از گروه میانسال و سالمند و در مقابل، گروه سالمندان بر ابعاد مدنی و معنوی، بیشتر از دیگر گروه‌ها تأکید داشتند.

بررسی مؤلفه‌های خرد با توجه به تحصیلات شرکت کنندگان نشان داد مؤلفه‌های اصلی خرد بین افراد با تحصیلات متفاوت، به صورت یکسان توزیع نشده [$p < 0/05$]. $\chi^2(8, n=2916)=57/75$ و سطح تحصیلات افراد بر فهم آنها از خرد تأثیرگذار است. افراد با تحصیلات بالاتر از لیسانس تأکید بیشتری بر ابعاد عقلانی، عملکردی و مدنی نسبت به دو گروه لیسانس و زیرلیسانس داشتند و شرکت کنندگان با تحصیلات زیر لیسانس ابعاد اخلاقی و معنوی را با اهمیت می‌دانند.

بحث

در این مطالعه، مفهوم خرد از منظر ایرانیان و نقش عوامل قومیت، جنسیت، سن و تحصیلات بررسی شد. این بررسی با توجه به رویکرد فهم افراد از خرد (نظریه‌های ضمنی) انجام گرفت. نتایج نشان می‌دهند مؤلفه اصلی خرد به دست آمده در این پژوهش تا حد زیادی مشابه نتایج پژوهش‌های گذشته است؛ چنانکه بعد عقلانی به دست آمده در این پژوهش، مشابه مؤلفه‌های شناختی کلایتون و بیرن (۱۹۸۰)، ۵ عامل (توانایی استدلال، هوشمندی، یادگیری از ایده‌ها و محیط، قضاوت و استفاده مناسب از اطلاعات) به دست آمده در مطالعه استرینبرگ (۱۹۸۵)، مؤلفه شناختی آردلت (۲۰۰۴)، «دانش» و «تجربه»

بزرگ با خرده‌فرهنگ چندگانه و سکولار زندگی کرده‌اند.

به‌طور کلی ایده‌های غربی دربارهٔ خرد بیشتر بر عقلانیت، دانش و منطق تمرکز دارند؛ در حالی که ایده‌های شرقی بر هیجان، شهود و تعالی متمرکزند (ایوان و آلوجز، ۲۰۱۰)؛ با این حال، نتایج نشان دادند ایرانیان بر همهٔ این جنبه‌ها تأکید دارند: عقلانیت، دانش، منطق که در بعد عقلانی تجسم یافته‌اند و اخلاق، هیجان و تعالی در بعد اخلاقی، بعد عملکردی و بعد معنوی. در واقع نتایج ما مؤید این نکته است که فهم ضمنی خرد در فرهنگ ایرانی، تلفیقی از فرهنگ غربی و شرقی بوده و ترکیبی از عوامل مرتبط با عقلانیت، هیجان و کنش است. در واقع خرده‌فرهنگ‌هایی که در آن، افراد در اوایل زندگی در ارتباط نزدیک با خانواده‌ها و جوامعی قرار می‌گیرند که ارزش‌های دینی، معنوی یا سکولار و سبک‌های زندگی را ترویج یا منع می‌کنند، می‌توانند تأثیرات مستقیم و گسترده‌تری نسبت به یک فرهنگ عمومی شرقی یا غربی در تحول خرد داشته باشند.

ملاحظات نظری و یافته‌های تجربی نشان دادند علاوه بر تجربیات دوران کودکی، ظرفیت توسعه و رشد خرد به محیط اجتماعی فرد بستگی دارد که به‌عنوان ترکیبی از محیط‌های فکری، فرهنگی و فیزیکی فرد تعریف می‌شود. محیط اجتماعی فرد ارتباط زیادی با وضعیت اقتصادی اجتماعی والدین دارد که اغلب تعیین‌کنندهٔ کیفیت همسایه‌ها، مدرسه‌ای که کودکان در آن حضور دارند و محیط فکری خانواده است. خانواده‌های با موقعیت اقتصادی اجتماعی بالا نسبت به خانواده‌های سطح پایین‌تر، سبک‌های والدین مقتدر را بیشتر ترجیح می‌دهند که این خودمختاری کودکان را تقویت و بستری برای تغییر عقیده و ایده و جستجوی معنای عمیق‌تر پدیده‌ها و

پژوهش، تنها ۲ نفر از شرکت‌کنندگان به این مؤلفه اشاره داشتند و همان‌طور که پیش‌تر گفته شد فراوانی مؤلفه‌های کمتر از ۴ از تحلیل کنار گذاشته شدند.

تفاوت دیگر نتایج این پژوهش با بیشتر پژوهش‌های گذشته، وجود بعد معنوی است. همان‌طور که تروبریچ (۲۰۰۷) بیان می‌کند اغلب، روانشناسان جنبه‌های الهی و مذهبی خرد را نادیده گرفته‌اند. اگرچه بانگن و همکاران (۲۰۱۳) معنویت را با وجود اینکه تعدادی از مطالعات بین معنویت و خرد تمایز قائل می‌شوند، جزو ویژگی‌های خرد می‌دانند. هرشی و فارل (۱۹۹۷) معنویت را یک عنصر از عاملی می‌دانند که به‌عنوان قضاوت هوشمندانه است و بنابراین، آن را عنصر اساسی برای خرد نمی‌دانند. به‌طور مشابه، آچنبام و اورول (۱۹۹۱) معنویت را در عنصر فرافردی خود می‌دانند که در تعالی خود قرار می‌گیرد. همچنین، پری و همکاران (۲۰۰۲) معنویت را عاملی برای خرد می‌دانند که خودش شامل عناصر زندگی کردن با معنویت، مراقبت از طبیعت و اعتقاد به یک موجود برتر یا خدا است. همان‌طور که مشاهده می‌شود نتایج در ارتباط با معنویت، پیچیده است؛ به طوری که در برخی از پژوهش‌ها بین خرد و معنویت تمایز قائل می‌شوند و در برخی دیگر، معنویت را جزو مؤلفه‌های اصلی یا فرعی خرد می‌دانند. در این زمینه، باید توجه داشت جهت‌گیری‌های مختلف در باورهای شخصی و اعمال مرتبط با دین و معنویت، خودشان از خرده‌فرهنگ‌هایی تأثیر می‌گیرند که افراد در اوایل زندگی با آنها تعامل داشته‌اند. خیلی از خرده‌فرهنگ‌ها از نظر دینداری و معنویت می‌توانند به‌عنوان تسهیل‌کننده در اداراک‌های مختلف افراد عادی از خرد باشند و به تحول خرد منجر شوند؛ برای مثال، افرادی که در یک منطقهٔ مذهبی‌تر رشد کرده‌اند، ممکن است عناصر ارزشی متفاوتی از خرد نسبت به افرادی داشته باشند که در یک شهر

نسبت به دیگر اقوام دارند. همچنین، شاید تفاوت معنادار به دست آمده در تأکید قومیت‌های لر و عرب بر بعد معنوی و دینداری نسبت به دیگر قومیت‌ها به تقدیرگرایی بیشتر آنها نسبت داده شود. نتایج برخی تحقیقات نشان داده‌اند اقوام عرب و لر نسبت به دیگر اقوام گرایش بیشتری به تقدیرگرایی دارند و زمینه‌ها و ریشه‌های تاریخی تقدیرگرایی با باورهای دینی و نگرش‌های مذهبی پیوند دارند (راستی و رحمانی، ۱۳۹۶)؛ شاید از این روست که آنها تأکید بیشتری بر ابعاد دینداری در زمینه خرد داشته‌اند.

در ارتباط با مؤلفه‌های مشترک به دست آمده در فهم اقوام از خرد، می‌توان گفت قومیت‌های مختلف ایران با وجود تفاوت‌های درون فرهنگی، به واسطه پذیرش و پیروی این اقوام از الگوهای زبان فارسی، تاریخ مشترک و پذیرش سنن ملی و مذهبی در چارچوب یک ملت قرار گرفته‌اند و در خیلی از زمینه‌ها اشتراک دارند. با توجه به اینکه تحقیقات بسیار کمی در زمینه خرد و قومیت‌های ایران انجام شده است، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده تفاوت و شباهت‌های به دست آمده در فهم اقوام از خرد به ویژه با توجه به نقش هویت، به ویژه هویت ملی و قومی و نیز تقدیرگرایی بررسی شوند.

در ارتباط با تفاوت جنسیتی فهم افراد از خرد نتایج نشان دادند بین فهم زنان و مردان تفاوت معناداری وجود ندارد که مشابه یافته‌های مطالعات کلایتون و بیرن (۱۹۸۰)، یانگ (۲۰۰۱)، گلاک و بلاک (۲۰۰۵)، فراری و همکاران، (۲۰۱۶) و مخالف نتایج گلاک و همکاران (۲۰۰۹)، چراغی و همکاران (۱۳۹۴) و اسعدی (۱۳۹۴) است. نتایج در این حوزه، متناقض است؛ به طوری که یافته‌های برخی مطالعات نشان دادند خرد زنان می‌تواند از نظر کیفی متفاوت از مردان (وزن بیشتر و ویژگی‌های هیجانی - اجتماعی در زنان و

وقایع فراهم می‌کند که همه اینها علایم اساسی در رشد خرد محسوب می‌شوند. همچنین، سوابق مذهبی خانواده می‌تواند خرد فرهنگ مهمی باشد که در آن افراد مؤلفه‌های اصلی خرد را در طول زمان مانند زندگی اخلاقی و آگاهانه، بخشش، نگرش/رفتارهای اجتماعی، توجه دلسوزانه برای دیگران و خودتأملی، توسعه و درونی کنند.

تفاوت به دست آمده در فهم اقوام مختلف، علاوه بر عواملی چون ساختار و مدیریت خانواده، شیوه‌های فرزندپروری و مذهب، با توجه به تفاوت‌های زبانی و گویشی در بین اقوام ایرانی می‌تواند ناشی از نقش زبان باشد؛ البته این تفاوت‌ها به سادگی از طریق تفاوت در کلمات و واژگان تبیین نمی‌شوند. تحقیقات زبان‌شناختی، الگوهایی از تفاوت‌های بین واژه‌ها ارائه می‌دهد که احتمالاً نشان‌دهنده تفاوت‌های فرهنگی است. به گفته تروبرج و فراری (۲۰۱۱)، قبل از اینکه روانشناسان بتوانند به یک تعریف توافق شده درباره خرد برسند، برای فهم واقعی آن لازم است تا معانی خرد را در ۵ هزار زبان ثبت شده بررسی کنند. یک برنامه منظم تحقیقاتی و یک بررسی کامل و معتبر از سنت‌های خرد جهان، برای محققانی بسیار مفید خواهد بود که در همه زمینه‌ها به دنبال درک معنای خردند. اگر به یک تعریف واحد توافق شده از خرد هم نرسیم، دست کم توافق روشن و واضح درباره فضای معنایی چندفرهنگی ضروری است.

با توجه به اینکه نتایج برخی تحقیقات (مانند بلالی، ۱۳۸۹) نشان داده‌اند احساس محرومیت، تبعیض و بی‌عدالتی در برخی از اقوام به ویژه قوم کرد و ترک نسبت به دیگر اقوام ایرانی رایج‌تر است، این احساس باعث تقویت هویت قومی در آنها می‌شود و گرایش به قومیت‌گرایی را افزایش می‌دهد. شاید بدین دلیل است که این دو قوم بر خیر مشترک و برابری تأکید بیشتری

ویژگی‌های شناختی و عقلانی بیشتر در مردان) باشد. شاید بتوان این طور تفسیر کرد که تفاوت‌های جنسیتی احتمالاً در مفاهیم خرد وجود دارند، ولی کم است؛ با این حال، به نظر می‌رسد خرد نیازمند ترکیبی از ویژگی‌های کلیشه‌ای مردانه و زنانه است.

فهم افراد از خرد در گروه‌های سنی نیز تفاوت معناداری نداشت؛ اگرچه در این بین، گروه شرکت‌کنندگان جوان بعد عقلانی را بیشتر از گروه میانسالان و سالمندان بیان کردند. در مقابل، گروه شرکت‌کنندگان سالمند بر ابعاد مدنی و معنوی، بیشتر از دیگر گروهها تأکید داشتند. در مطالعه وست‌استریت و همکاران (۲۰۱۶)، تفاوتی در فهم نسل‌های مختلف به دست نیامد؛ ولی در مطالعات دیگر (مانند کلایتون، پیرن، ۱۹۸۰؛ گلاک و همکاران، ۲۰۰۹) نشان داد به‌طور میانگین افراد مسن‌تر فهم متفاوتی دارند و بر جنبه‌های عاطفی خرد نسبت به جوان‌ترها تأکید بیشتری دارند. به‌طور خلاصه، به نظر می‌رسد فهم سالمندان از خرد نسبت به آنچه افراد جوان‌تر تأکید می‌کنند، متفاوت است. در واقع چیزی که سالمندان آن را پذیرفته‌اند، این است که سن لزوماً به همراه خود، خرد را به همراه نمی‌آورد. این تفاوت جزئی شاید گویای این باشد که هر گروه سنی ترجیحاتی برای شکلی از خرد قائل است که متناسب با وظایف غالب تحولی آن گروه سنی است؛ از این رو، با افزایش سن، گرایش بر بعد عقلانی در جوانان به سمت ابعادی مانند خیر مشترک و معنویت در سالمندی به دلیل کسب تجربه بیشتر و رسیدن به مرحله زاینده‌گی تغییر یابد. به‌طور کلی درباره تفاوت‌های سنی، باید گفت بیشتر مطالعات در این حوزه از جمله این پژوهش، مقطعی‌اند. مبتنی بر شواهد موجود، راهی وجود ندارد برای تشخیص اینکه تفاوت‌های سنی مشخص شده، نتیجه تحول فردی است یا نتیجه تأثیرات متغیرهای دیگر.

نتایج بررسی ارتباط تحصیلات و ادراک افراد از خرد نشان‌دهنده اختلاف معنادار در رتبه‌بندی مؤلفه‌های اصلی خرد بود؛ به نحوی که افراد با تحصیلات بالا بر ابعاد عقلانی، عملکردی و مدنی و افراد با تحصیلات پایین‌تر بر ابعاد اخلاقی و معنوی تأکید داشتند. این نتایج مطابق با یافته‌های مطالعه یانگ (۲۰۰۱) است. به نظر می‌رسد تحصیلات تکمیلی تا حدی در تمایز فهم شرکت‌کنندگان از خرد نقش داشته باشد. افراد دارای سطح تحصیلات بالاتر نسبت به افراد با سطح تحصیلات پایین‌تر، خرد را بیشتر مرتبط با شایستگی، دانش و گشودگی می‌دانند. شاید این تفاوت در گروه تحصیلی مرتبط با سن افراد در این گروهها نیز باشد؛ زیرا بیشتر افراد با تحصیلات بالا در گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال قرار داشتند و از این رو بر ابعاد عقلانی به نسبت معنوی تأکید بیشتری داشتند. تا کنون تأثیر سطح تحصیلات افراد بر فهم افراد از خرد به‌طور روشن مشخص نشده است و به تحقیقات بیشتری نیاز است.

به‌طور کلی نتایج این پژوهش نشان دادند مفهوم خرد گسترده‌تر و پیچیده‌تر از آن است که به‌راحتی و کامل درک شود. مرور مطالعات تجربی فهم افراد عادی از خرد در فرهنگ‌های غیر غربی، به‌ویژه ایران و اقوام ایرانی، بسیاری از جنبه‌های خرد را آشکار می‌کند؛ جنبه‌هایی که در مطالعات پژوهشگران حوزه خرد در ایالات متحده و اروپا (مانند بالتز و استادینرگر، ۲۰۰۰؛ استرنبرگ و جردن، ۲۰۰۵؛ و گلاک و بلاک، ۲۰۱۱) به‌طور مناسب به آن توجه نشده است. این عوامل شامل نقش اجتماع و جامعه، معنویت و دینداری در فهم خرد است. هدف، روشن کردن اهمیت توسعه مفهوم سازی جامع‌تر خرد بود که هم با سنت‌های غربی و هم غیر غربی انطباق داشته باشد. امید است این مطالعه، به‌عنوان مقدمه‌ای از درک غیر غربی از خرد،

موردی: شهرستان کنارک). فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۵ (۹)، ۱۶۷-۱۵۱.

عزیزی سعید، ی.، کردنوقایی، ر. و عرفانی، ف. (۱۳۹۸). تأثیر دارایی‌های تحولی بر خرد با میانجی‌گری عزت‌نفس در دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه. پژوهش‌نامه روانشناسی مثبت ۲ (۱۸)، ۱۶-۱.

کردنوقایی، ر. و دلفان بیرانوند، آ. (۱۳۹۵). نظریه‌های ضمنی خرد در ایران: بررسی پدیدارشناختی. پژوهش‌نامه روانشناسی اسلامی، ۲ (۳)، ۷۸-۱۰۵.

کردنوقایی، ر.، دلفان بیرانوند، آ. و عربلو، ز. (۱۳۹۴). دیدگاه سالمندان درمورد خرد و مؤلفه‌های آن: روانشناسی خرد. مجله روانشناسی پیری، ۱ (۳)، ۱۶۷-۱۵۷.

ملک‌محمدی، ح.، هاشمی آذرپیل‌رود، ژ.، پزشکی، ش. و صرامی، غ. (۱۳۹۲). ارزیابی کیفی و کمی مفهوم خرد براساس تحلیل عاملی غیرخطی. فصلنامه افراد استثنایی، ۱۳ (۴)، ۱۰۲-۸۱.

Achenbaum, W. A., & Orwoll, L. (1991). Becoming wise: A psycho-gerontological interpretation of the Book of Job. *The International Journal of Aging & Human Development*, 32, 21-39.

Ardelt, M. (2004). Wisdom as expert knowledge system: A critical review of a contemporary operationalization of an ancient concept. *Human Development*, 47(5), 257-85.

Ardelt, M., & Oh, H. (2010). Wisdom: Definition, assessment, and its relation to successful cognitive and emotional aging. In D. Jeste & C. Depp (Eds.), *Successful cognitive and emotional aging* (pp. 87-113). American Psychiatric Publishing

Armstrong, K. (2006). *The great transformation: The beginning of our religious traditions*. Anchor Books

Baltes, P. B., & Staudinger, U. M. (2000). Wisdom. A metaheuristic (pragmatic) to orchestrate mind and virtue toward excellence. *American Psychologist*, 55, 122-136.

زمینه مطالعات بیشتر درباره درک و کاربرد خرد را در کشورهای غیر غربی فراهم آورد.

ازجمله محدودیت‌های این پژوهش، نمونه دردسترس آن بود؛ ازاین‌رو، باید در تعمیم نتایج احتیاط کرد. همچنین، با توجه به اینکه سؤال‌های پرسشنامه بازپاسخ بودند، افراد به راحتی حاضر به همکاری نبودند و موجب شد بخشی از افراد در پژوهش شرکت نکنند یا از پاسخ دادن به سؤالات پرسشنامه خودداری کنند. با توجه به محدودیت‌های جمع‌آوری داده‌ها به شکل پرسشنامه بازپاسخ، برای جامعیت بخشیدن به مفهوم خرد، پیشنهاد می‌شود از شیوه‌های دیگر گردآوری مانند مصاحبه و همچنین مشاهده و مصاحبه با افراد معرفی شده به عنوان نمونه خرد استفاده شود. همچنین، پیشنهاد می‌شود مطالعات طولی برای بررسی روند تحولی مفهوم خرد و نیز گروه‌های سنی مختلف برای بررسی مفهوم خرد به کار گرفته شوند.

منابع

اسعدی، م. (۱۳۹۴). ویژگی‌های افراد خردمند بر پایه نظریه‌های ضمنی: با نگاهی بر تفاوت‌های گروه‌های سنی و جنسیتی. پژوهش‌نامه روانشناسی مثبت، ۱ (۴)، ۵۱-۶۶.

بشیریه، ح. (۱۳۹۴). دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، چاپ دوم. نگاه معاصر.

بلالی، ا. (۱۳۸۹). طرد اجتماعی اقوام در آئینه آمار، بررسی اقوام کرد و ترک. مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۲، ۱۹-۱.

چراغی، ف.، کدیرو، پ.، عسگری، ع. و فرزاد، و. (۱۳۹۴). مفهوم خرد بر پایه دو رویکرد نظری متفاوت: یک همبستگی بنیادی. فصلنامه تازه‌های علوم شناختی، ۱۷ (۳)، ۴۷-۵۴.

راستی، ه.، رحمانی، ا. (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر میزان تقدیرگرایی در نواحی روستایی (مطالعه

- adulthood. *International Journal of Behavioral Development*, 29(3), 197–208.
- Glück, J., König, S., Naschenweng, K., Redzanowski, U., Dorner, L., Straßer, I., & Wiedermann, W. (2013). How to measure wisdom: Content, reliability, and validity of five measures. *Frontiers in Psychology*, 4, 1–13.
- Glück, J., Strasser, I., & Bluck, S. (2009). Gender differences in implicit theories of wisdom. *Research in Human Development*, 6(1), 27–44.
- Graneheim, U. H., & Lundman, B. (2004). Qualitative content analysis in nursing research: concepts, procedures and measures to achieve trustworthiness. *Nurse Educ Today*, 24(2), 105–112.
- Hershey, D. A., & Farrell, A. H. (1997). Perceptions of wisdom associated with selected occupations and personality characteristics. *Current Psychology: A Journal for Diverse Perspectives on Diverse Psychological Issues*, 16, 115–130.
- Holliday, S. G., & Chandler, M. J. (1986). Wisdom: Explorations in adult competence. *Contributions to Human Development*, 17, 1–96.
- Hu, C. S., Ferrari, M., Liu, R.-D., Gao, Q., & Weare, E. (2016). Mainland Chinese implicit theory of wisdom: Generational and cultural differences. *The Journals of Gerontology: Series B: Psychological Sciences and Social Sciences*, 73(8), 1416–1424.
- Ivan, B., & Alojz, R. (2010). Opinions of culturally diverse sample of Asians on wisdom. *Sociología (Sociology)*, 42, 619–637.
- Jason, L. A., Reichler, A., King, C., Madsen, D., Camacho, J., & Marchese, W. (2001). The measurement of wisdom: A preliminary effort. *Journal of Community Psychology*, 29, 585–598.
- König, S., & Glück, J. (2012). Situations in which I was wise: Autobiographical wisdom memories of children and adolescents. *Journal of Research on Adolescence*, 22, 512–525.
- König, S., & Glück, J. (2013). Individual differences in wisdom conceptions: Relationships to gratitude and wisdom. *International Journal of Aging and Human Development*, 77(2), 127–147.
- Labouvie-Vief, G. (1990). Wisdom as integrated thought: Historical and
- Bangen, K. J., Meeks, T. W., & Jeste, D. V. (2013). Defining and assessing wisdom: A review of the literature. *The American Journal of Geriatric Psychiatry*, 21, 1254 – 1266
- Bluck, S., & Glück, J. (2004). Making things better and learning a lesson: Experiencing wisdom across the lifespan. *Journal of Personality*, 72, 543–72
- Bluck, S., & Glück, J. (2005). From the inside out: People's implicit theories of wisdom. In R. J. Sternberg & J. Jordan (Eds.), *A handbook of wisdom: Psychological perspectives* (pp. 84–109). New York, NY: Cambridge University Press
- Chen, L. M., Cheng, Y. Y., Wu, P. J., & Hsueh, H. I. (2014). Educators' implicit perspectives on wisdom: A comparison between interpersonal and intrapersonal perspectives. *International Journal of Psychology*, 49(6), 425–33.
- Clayton, V. P., & Birren, J. E. (1980). The development of wisdom across the lifespan: A reexamination of an ancient topic. In P. B. Baltes & O. G. Brim (Eds.), *Life-span development and behavior* (Vol. 3, pp. 103–35). Academic Press.
- Ferrari, M., & Weststrate, N. (Eds.). (2014). *The scientific study of personal wisdom*. New York, NY: Springer
- Ferrari, M., Abdelaal, Y., Lakhani, S., Sachdeva, S., Tasmim, S., & Sharma, D. (2016). Why is Gandhi wise? A cross-cultural comparison of Gandhi as an exemplar of wisdom. *Journal of Adult Development*, 23, 204–13.
- Germer, C., & Siegel, R. (Eds.). (2012). *Wisdom and compassion in psychotherapy*. Guilford Press
- Glück, J., & Bluck, S. (2011). Laypeople's conceptions of wisdom and its development: Cognitive and integrative views. *The Journals of Gerontology, Series B: Psychological Sciences & Social Sciences*, 66, 321–324.
- Glück, J., Bischof, B., & Siebenhüner, L. (2012). “Knows what is good and bad”, “Can teach you things”, “Does lots of crosswords”: Children's knowledge about wisdom. *European Journal of Developmental Psychology*, 9(5), 582–598.
- Glück, J., Bluck, S., Baron, J., & McAdams, D. P. (2005). The wisdom of experience: Autobiographical narratives across

- Sternberg, R. J., & Jordan, J. (2005). *A handbook of wisdom: Psychological perspectives*. Cambridge University Press
- Takahashi, M., & Bordia, P. (2000). The concept of wisdom: A cross-cultural comparison. *International Journal of Psychology, 35*(1), 1-9.
- Takayama, M. (2002). *The concept of wisdom and wise people in Japan*. (Unpublished doctoral dissertation.) Tokyo University
- Trowbridge, R. (2007). Wisdom and lifelong learning in the twenty-first century. *London Review of Education, 5*, 159-172
- Trowbridge, R., & Ferrari, M. (2011). Special issue: Sophia and pronesis in psychology, philosophy, and traditional wisdom. *Research in Human Development, 8*, 89-94.
- Walsh, R. (2012). Wisdom: An integral view. *Journal of Integral Theory and Practice, 7*, 1-21.
- Weststrate, N. M., Bluck, S., Gluck, J. (2019). Wisdom of the crowd: Exploring People's Conceptions of Wisdom. In R. J. Sternberg & J. Glück (Eds.), *Cambridge handbook of wisdom*. Cambridge University Press.
- Weststrate, N. M., Ferrari, M., & Ardelt, M. (2016). The many faces of wisdom: An investigation of cultural-historical wisdom exemplars reveals practical, philosophical, and benevolent prototypes. *Personality and Social Psychology Bulletin, 42*, 662-76.
- Yang, S.-Y. (2001). Conceptions of wisdom among Taiwanese Chinese. *Journal of Cross-Cultural Psychology, 32*, 662-680.
- Yang, S.-Y. (2008). A process view of wisdom. *Journal of Adult Development, 15*(1), 62-75.
- developmental perspectives. In R. J. Sternberg (Ed.), *Wisdom: Its nature, origins, and development* (pp. 52-86). Cambridge University Press.
- Levitt, H. (1999). "The development of wisdom: An analysis of Tibetan Buddhist experience. *Journal of Humanistic Psychology, 39*(2), 86-105.
- Meeks, T. W., & Jeste, D. V. (2009). Neurobiology of wisdom: A literature overview. *Archives of General Psychiatry, 66*, 355-365.
- Montgomery, A., Barber, C., & McKee, P. (2002). A phenomenological study of wisdom in later life. *International Journal of Aging and Human Development, 52*, 139-157.
- Perry, C. L., Komro, K. A., Jones, R. M., Munson, K., Williams, C. L., & Jason, L. (2002). The measurement of wisdom and its relationship to adolescent substance use and problem behaviors. *Journal of Child & Adolescent Substance Abuse, 12*(1), 45-63.
- Seligman, M. E. P. (2011). *Flourish: A visionary new understanding of happiness and wellbeing*. Atria books
- Staudinger, U. (2014). The need to distinguish personal from general wisdom. In M. Ferrari & N. Weststrate (Eds.), *A scientific study of personal wisdom* (pp. 3-20). Springer
- Staudinger, U. M., & Glück, J. (2011). Psychological wisdom research: Commonalities and differences in a growing field. *Annual Review of Psychology, 62*, 215-241.
- Sternberg, R. J. (1985). Implicit theories of intelligence, creativity, and wisdom. *Journal of Personality and Social Psychology, 49*, 607-627.